

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه فرهنگیان امام خمینی (ره) سلماس

درس: نظام تربیتی اسلام

مدرس: رقیه سلطان بیگی

## جلسه پنجم: اهداف تربیت اسلامی

از دیدگاه علمای اسلام، هدف از آنچه که اصطلاحاً تربیت اسلامی نامیده می‌شود، آن است که متعلم از گرویدن به رذایل نهی شود و به مبانی و احکام شرع خو بگیرد و خود را به زیور فضایی که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده است، بیاراید. بدیهی است که با چنین دیدگاهی، آشنایی با سرچشمه‌های معرفت دینی محور اصلی تعلیم و تربیت بود و مواد آموزشی نیز، به عنوان مهم‌ترین ابزار تربیتی، علاوه بر علوم دینی، مقدماتی را که برای آموختن این علوم لازم بود، و پیش از همه، توانایی خواندن و نوشتن خط در بر می‌گرفت.

## اهمیت علم آموزی در قرآن

بی گمان این نکته که نخستین آیات نازل شده بر پیامبر (ص)، ناظر بر خواندن و تعلیم بود، همواره مد نظر مسلمانان بود: «بخوان به نام پروردگارت که آفریننده است... بخوان که پروردگارت بخشنده‌ترین است، همان که به قلم انسان را دانایی بخشید» و همچنین است سوگند خداوند به قلم و آنچه می‌نویسد. در برابر این پرسش قرآن که «ایا دانایان با نادانان برابرند» شهید ثانی پاسخی از متن قرآن می‌آورد: «بگو که آلوده و پالوده با یکدیگر برابر نیستند» با جست‌وجویی مختصر در آیات قرآن می‌توان به اشاراتی درباره هدف نهایی تربیت اسلامی نیز دست یافت: «از بندگان خدا، تنها دانشوران از خدا می‌ترسند» «تاویل آن را جز خداوند و راسخین در علم (دانشمندان) نمی‌داند» «آنان گویند که باور می‌داریم» «چون آیات قرآن بر بهره‌مندان از علم خوانده شود، گریستن آغاز می‌کنند و خواندن قرآن بر خشوع آنان می‌افزاید» «چنین دانشورانی به مقامی می‌رسند که خداوند هنگام گواه گرفتن بر یگانگی خود، نام آنان را در کنار نام خود و فرشتگان یاد می‌کند» «دانشوری که چنین نباشد علم را چون باری بر دوش می‌کشد، بی‌آنکه بهره واقعی از آن برده باشد» (پاره دوم: «کَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا»)

## اهمیت علم آموزی در احادیث

در احادیث نبوی نیز اندرزهای بسیار درباره علم‌اندوزی به چشم می‌خورد، از جمله آنکه «أطلبوا العِلْمَ وَكُوْ بِالصِّينِ؛ دانش بجوید حتی اگر در چین (کنایه از دوردست‌ترین نقاط جهان) باشد» و «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ دانش‌جویی بر هر فرد مسلمان ضروری است» (گاه این دو جمله در یک حدیث از پی هم آمده‌اند) یا آن‌که اگر کسی در طلب علم بکوشد و بدان دست یابد، خداوند دو بهره نصیب وی می‌کند، اما (حتی) اگر نتواند بدان دست یابد، یک بهره پاداش می‌گیرد. دانشوری که دانش خود را کریمانه تعلیم می‌دهد، یکی از دو گروهی است که شایسته است به آنان رشک برند.

تنها در ۳ مورد اعمال انسان پس از مرگ نیز برای وی ثواب در پی خواهد داشت: صدقه جاریه (ساختن تأسیساتی چون پل، مسجد و بیمارستان) دانشی که سودی از آن رسد (مانند تألیف آثار علمی یا پروردن شاگرد) و پروردن فرزندی صالح که او را دعای خیر کند.

ابن ماجه حدیثی از پیامبر (ص) نقل می‌کند که بر اساس آن دنیا و آنچه در آن است، ملعون‌اند، مگر آنان که به یاد خداوند و اولیای او باشند و آموزگاران و آموزندگان. «الدنيا ملعونه ملعون ما فيها الا ذكر الله وما والاه او عالماً او متعلماً»

نیز آورده‌اند که پیامبر اکرم (ص) فدیة یکی از مشرکان باسواد اسیر شده در غزوه بدر را سوادآموزی به ۱۰ تن مسلمان قرار داد. (برای روایات متفاوتی که ذکر شده است.

از حضرت علی (ع) نقل کرده‌اند که «ما اخذ الله العهد علی اهل الجهل ان يتعلموا حتی اخذ العهد علی اهل العلم ان يعلموا؛ خداوند از نادانان برای آموختن پیمان نگرفت، مگر آن‌که پیش‌تر، از دانایان برای آموزاندن پیمان گرفت.»

در حدیثی دیگر منسوب به ایشان آمده است که «أَغْدُ عَالِماً او متعلماً او مستمعاً او محباً و لا تكن الخامس فتهلك؛ روز خود را در حالی آغاز کن که آموزگار، آموزش‌گیر، شنونده یا دوستار (علم) باشی و پنجمین مباش که نابود خواهی گشت.» (در منابع دیگر، حدیثی بسیار نزدیک به این سخن از پیامبر (ص) نقل شده است، (به صورت «اغد عالماً او متعلماً او مستمعاً، ولا تكن الرابع فتهلك» و جز آن).

# اهمیت آموزش در نزد علما

ماوردی از برخی علما نقل می‌کند که اگر بهره‌گیری (استفاده) از محضر استاد برای دانشجو نافله (فزون بر فرض) باشد، تدریس (افاده) بر استاد فرض است او به برخی فواید تدریس برای مدرس نیز اشاره می‌کند، از جمله آن‌که گفته‌اند: تدریس موجب فزونی علم و محکم شدن محفوظات است. نیز خلیل بن احمد گفته است که «تعلیم خود را پژوهش و بازنگری (دراسة) در علم خویش بینگار و مناظره دانشجو را هشداری بر آنچه نمی‌دانی» (برای دیگر احادیث نبوی، احادیث ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و حتی نقل قول از بزرگان صدر اسلامی چون سلمان فارسی و فرزانه‌گانی چون لقمان، و نیز کتب آسمانی زبور، تورات و انجیل، نک. در فرهنگ اسلامی هدف و نیت در تعلیم و تعلم همچون اعمال دیگر نقشی مهم دارد. در حدیث نبوی آمده است: آن که علم را برای برتری‌جویی بر نادانان و مجادله با دانشمندان، یا برای جلب توجه مردمان و هدیه‌گرفتن از امرا بیاموزد، در آتش جای گیرد (روایات دیگری با مضامین مشابه در دست است) در بسیاری از کتب حدیث بابی ویژه در نکوهش کسانی که علم را جز برای (نزدیکی به) خداوند فرا می‌گیرند، آمده است.

# اصول تربیت اسلامی

## تعریف اصول

« اصل » در لغت، به معنای ریشه، پایه و اساس است و از این جهت می توان آن را در لغت با واژه « مبنا » متقارب یا مترادف دانست. همین نزدیک بودن معانی لغوی موجب شده است که برخی اصول تعلیم و تربیت را همان مبانی آن بدانند یا در ذکر اصول تعلیم و تربیت، به مواردی اشاره کنند که دیگران آنها را از مبانی تعلیم و تربیت به شمار آورده اند. البته به کار گرفتن اصطلاحات متفاوت در یک علم، امکان پذیر است و چنانچه برای تفکیک اصول از مبانی دلیل موجهی وجود نداشته باشد، می توان در تعلیم و تربیت نیز آنها را به یک معنا به کار برد. اما با توجه به مصادیقی که معمولاً در ذیل عناوین مبانی و اصول تعلیم و تربیت بیان شده و نیز تعاریفی که برای مبنا و اصل بیان شده است، به نظر می رسد تفکیک اصول از مبانی نه تنها موجه، بلکه لازم است. بر اساس این تفکیک، مبانی گزاره هایی خبری هستند که از علوم دیگر، مانند هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی اخذ می شوند و در تعلیم و تربیت از نتایج آنها استفاده می شود. اما اصول، گزاره هایی تجویزی هستند که از اهداف و مبانی به دست می آیند و راهنمای روش ها و فعالیت ها در تعلیم و تربیت هستند.



اصول تعلیم و تربیت، مبتنی بر مبانی تعلیم و تربیت و تجویز کننده عملیاتی در مقایسه با اهداف تعلیم و تربیت است. البته اصول با اهداف تعلیم و تربیت رابطه دیگری نیز دارد که مشابه رابطه اصول با سایر مؤلفه های تعلیم و تربیت است.

## رابطه اصول با سایر مؤلفه های تعلیم و تربیت

پرسش سوم درباره ی اصول مربوط به این است که آیا اصول، به جز رابطه ی بیان شده با مبانی و اهداف، با مؤلفه های دیگر تعلیم و تربیت نیز ارتباط دارد و این ارتباط چگونه است. بی تردید، اصول، از میان سایر مؤلفه های تعلیم و تربیت با روش ها به نوعی رابطه دارند. اما برخی بر این اعتقادند که اولاً، این ارتباط از نوع استنتاج منطقی است، به این معنا که روش ها از اصول نتیجه می شوند و ثانیاً، در میان مؤلفه های تعلیم و تربیت، این ویژگی یعنی ارتباط استنتاجی با اصول، به روش ها اختصاص دارد. این عقیده را می توان، با توجه به تجویزی بودن اصول، چنین توجیه کرد که چون اصول گزاره های تجویزی و راهنمایی عمل اند، و از آنجا که در میان مؤلفه های تعلیم و تربیت تنها روش ها نشان دهنده ی نحوه ی اعمال و فعالیت های تعلیمی و تربیتی هستند. پس اصول تنها می توانند پایه و مآخذ برای روش ها باشند، نه برای سایر مؤلفه های تعلیم و تربیت. اما برخی دیگر بر این عقیده اند که بعضی مؤلفه های دیگر، از جمله اهداف تعلیم و تربیت نیز با اصول ارتباط دارند. به علاوه، سیاست ها، برنامه ها و مانند آنها نیز از اصولی برخوردارند. بنابراین، نباید نقش اصول را به این که در استنتاج روش ها مؤثرند محدود کرد.

## تعریف اصول تعلیم و تربیت اسلامی

با توجه به نکات پیش گفته، تعریف زیر را برای اصول تعلیم و تربیت اسلامی برمی‌گزینیم:

اصول تعلیم و تربیت اسلامی، گزاره‌هایی تجویزی و کلی، خطاب به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت هستند که با اتکا بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، رابطه ضرورت بالقیاس میان انواع فعالیت‌های مربوط به حوزه تعلیم و تربیت را با اهداف تعلیم و تربیت اسلامی بیان می‌کنند و راهنمای عملیات مزبور هستند.

اصول تعلیم و تربیت اسلامی عبارتند از :

## ۱- اصل هم‌گرایی

با توجه به مبانی الهیاتی، تمام جهان هستی از یک مبدأ سرچشمه می‌گیرد و دارای نظامی واحد و غایت و هدفی واحد است و حکمت الهی بر آن قرار گرفته که در طراحی نظام احسن، مقصود اصلی از آفرینش سایر مخلوقات تحقق یافتن « انسان کامل » باشد. با توجه به مبانی انسان‌شناختی، انسان کمال جو و به دنبال کمال بی‌نهایت است، همان کمالی که در سایه‌ی قرب الهی حاصل می‌شود. از سوی دیگر، بر اساس مبانی ارزش‌شناختی، ارزش همه‌ی فعالیت‌های انسان، وابسته به این هدف نهایی است. به این ترتیب، آنچه باید در همه‌ی اعمال اختیاری انسان هدف نهایی در نظر گرفته شود « قرب الهی » است. به عبارت دیگر، مجموعه همه فعالیتها از دیدگاه اسلام باید جهت‌ی واحد به سمت خداوند متعال باشد. قرآن کریم می‌فرماید: وَ أَنْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: و این که این راه مستقیم من است. پس از این راه پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده می‌سازند.

خداوند به شما چنین سفارش می کند، باشد که تقوا پیشه سازید. و نیز می فرماید: قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ: بگو این راه من است که من و پیروان راستین من با بصیرت به سوی خدا دعوت می کنیم و خدا منزه است و من از مشرکان نیستم. از این رو از دیدگاه اسلام، تعلیم و تربیت که مجموعه ای از فعالیت های بسیار متنوع و پیچیده است و با اراده و اختیار مجریان آن صورت می گیرد، باید همواره به سمت این هدف نهایی سوق داده شود و با وجود برخورداری از اهداف میانی و خاص، باید دارای تنها یک هدف عام، در راستای قرب الهی باشد.

وحدت هدف نهایی و به تبع آن، وحدت هدف عام، مقتضی هم گرایی کامل در تعلیم و تربیت اسلامی است و به موجب آن، تشکیل نظام واحد تعلیم و تربیت اسلامی در جهت هدف عام یک ضرورت است. بنابراین اصل، نهادها و مؤسسات تعلیم و تربیت، نباید مجموعه هایی گسسته و بی ارتباط با یکدیگر باشند؛ بلکه کل نظام تعلیم و تربیت اسلامی، باید از یک مرکز واحد فرماندهی شود و میان اجزای آن اتحاد کامل برقرار باشد.

## ۲- اصل انطباق با اسلام

دین اسلام تنها دین معتبر برای هدایت بشر به سعادت و کمال ابدی تا پایان زندگی او در این جهان است و معارف و احکام آن از طریق کتاب آسمانی قرآن، با تبیین رسول گرامی اسلام (ص) ائمه ی طاهرین علیهم السلام و سپس به وسیله ی فقها و اسلام شناسان راستین، به دست ما رسیده است و هدایت عملی جامعه را نیز در زمان غیبت امام عصر (عج) ولی فقیه بر عهده دارد و هر گونه فعالیت تعلیمی و تربیتی، به منظور تصرف در ملک خداوند، متوقف بر اذن و رضایت الهی است.

بر این اساس، اصل انطباق با اسلام بیان کننده لزوم تطابق و هم سویی فرایند تعلیم و تربیت با دین مبین اسلام، قرآن کریم و احکام قطعی شرع و کمک به تحقق و گسترش آموزه های اسلام ناب و نیز لزوم انطباق و هم سویی همه عوامل و روش های تعلیم و تربیت با قوانین و احکام حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه است.

همچنین با توجه به این که معصومین (ع) الگوی کامل بشریت اند و باید شیوه زندگی آنها در ابعاد مختلف سرمشق زندگی انسان ها قرار گیرد، اصل انطباق با اسلام، همچنین مستلزم الگو قرار گرفتن شیوه ی زندگی آن بزرگان در تعلیم و تربیت اسلامی و جلوگیری از نفوذ الگوهای انحرافی است.

به عبارت دیگر، اصل انطباق با اسلام، نشان دهنده مرجع هم گرایی در نظام اسلامی، به طور کلی و در تعلیم و تربیت، به طور خاص است. نظام تعلیم و تربیت باید تحت مدیریت عالی رهبری جامعه اسلامی قرار گیرد و همه فعالیت های تعلیمی و تربیتی نیز باید منطبق با قوانین و احکام شرع مقدس و مطابق با الگوی اتخاذ شده از زندگی معصومین علیهم السلام باشد.

### ۳- اصل جامع نگری

در مبانی انسان شناختی گذشت که انسان دارای دو بعد اصلی روح و بدن است و روح انسان نیز از ساحت های مختلف بینش، گرایش و توانایی تشکیل شده است. همچنین استعدادها و ظرفیت های گوناگونی که قابل تکامل و شکوفایی هستند، در ابعاد و ساحت های مختلف انسان نهفته اند. همه ی این ابعاد، و ساحت ها، استعدادها و ظرفیت ها با وجود اختلافاتی که در اصلی و فرعی بودن دارند، در یکدیگر تأثیر می گذارند و در مجموع، هویت واحد هر انسانی را می توان برآیند فعلیت یافتن مجموع این ویژگی ها در او دانست.

از سوی دیگر، حکمت الهی که از مبانی الهیاتی تعلیم و تربیت اسلامی است، مقتضی آن است که هیچ بعد و ساحتی و هیچ نیرو و استعدادی در وجود انسان عبث و بیهوده نباشد و وجود همه ی آنها برای وصول او به هدفی که نهایتاً برای آن آفریده شده است مفید و مؤثر باشند. به این ترتیب، همه ی ابعاد و ساحت های انسان و نیز همه ی انواع استعدادهای قابل شکوفایی در انسان به نحوی در وصول به هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی نقش دارند. در این صورت، می توان اصل جامع نگری را به بیان زیر، از اصول تعلیم و تربیت اسلامی به شمار آورد:

در تعلیم و تربیت اسلامی، باید به همه ی ابعاد و ساحت ها، نیازها و استعدادهای وجود انسان توجه شود و پرداختن به تعلیم و تربیت یا تربیت برخی ابعاد و ساحت ها یا برخی نیازها و استعدادهای، نباید موجب گردد که سایر ابعاد، ساحت ها، نیازها و استعدادهای مربوط به آنها به فراموشی سپرده شود.

در برخی روایات، بر توجه به نیازمندی های مختلف و لزوم برنامه ریزی جامع برای برآوردن همه ی آنها تأکید شده است. برای نمونه، در روایتی از امام رضا (ع) چنین نقل شده است: اجتهدوا فی أن یکونَ زمانُکم أربعَ سَاعَاتٍ: سَاعَهُ لِمَنَاجَاهِ اللّهِ، وَ سَاعَهُ لِأَمْرِ المَعَاشِ، وَ سَاعَهُ لِمُعَاشِرَةِ الإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الذِّینَ یَعْرِفُونِکُمْ عِیُوبِکُمْ وَ یُخْلِصُونَ لَکُم فی البَاطِنِ، وَ سَاعَهُ تَخْلُونَ فیها لِلذَّاتِکُمْ فی غیرِ مُحَرَّمٍ وَ بهذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَی الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ: وَ بکوشید اوقاتِ خود را به چَهار قَسْمَت تقسیم کنید: وقتی را به مناجات با خدا اختصاص دهید، وقتی را برای امور زندگی، وقتی را برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتمادی که عیب هایتان را به شما گوشزد کنند و شما را در باطن پاک گردانند و وقتی را که در آن برای لذت های حلال خود فارغ باشید و با این چهارمی است که بر کارهای سه وقت دیگر توانایی می یابید.

## ۴- اصل تناسب و اعتدال

مبانی هستی‌شناختی در باب علیت تأکید دارند که میان علت و معلول سنخیتی برقرار است و از همین رو، شناخت علل خاص هر پدیده برای پیش‌بینی یا فراهم کردن شرایط تحقق آن، لازم است. البته ممکن است انواعی از علل بتوانند زمینه ساز تحقق یک معلول باشند یا نوعی علت، زمینه ساز تحقق امور گوناگون باشد. این تناسب و سنخیت میان انواعی از عوامل و موانع با اهداف تعلیم و تربیت اسلامی وجود دارد. به همین ترتیب، روش‌های تعلیم و تربیت، هر یک نتایج و پیامدهای خاص خود را دارند و با اهدافی معین هم‌سنخ و متناسب‌اند.

از سوی دیگر، افراط و تفریط در پرداختن به تعلیم یا تربیت در جهتی خاص، یا استفاده نامناسب از عوامل و روش‌های خاص، ممکن است نتایج نامطلوبی را به دنبال داشته باشد و بر اساس همین اصل، برای دست‌یابی به حد مطلوبی از نتایج، باید در به‌کارگیری علل و عوامل و روش‌های دست‌یابی به نتیجه، از افراط و تفریط پرهیز نمود و حد اعتدال را که با حد مطلوب از نتایج تناسب دارد رعایت کرد.

به این ترتیب، اصل تناسب و اعتدال، این مهم را گوشزد می‌کند که در تعلیم و تربیت اسلامی، باید برنامه‌ها، انتخاب عوامل، روش‌ها، فعالیت‌ها، مسئولیت‌ها و ارزیابی‌ها با اهداف، ساحت‌ها، مراحل، محتوا، موضوع و عوامل و موانع خارج از اختیار (از جمله، ظرفیت و استعداد متعلمان و مربیان، حالات مختلف آنها، نیازها و موقعیت اجتماعی آنها، نیازهای جامعه و بازخورد ارزیابی‌ها)، تناسب داشته باشند و باید در موارد مزبور، حد اعتدال را رعایت کرد و از افراط و تفریط پرهیز نمود.



## ۵- اصل تدریج

عالم ماده، که انسان در آن زندگی می کند، عالمی زمان مند و تدریجی است و براساس مبانی انسان شناختی تغییرات و تحولات ابعاد مختلف روح و بدن انسان نیز به تدریج صورت می گیرند. به این ترتیب، طبیعی است که آگاهی بخشی، انتقال مهارت و شکوفاسازی استعدادها، یکباره و ناگهان حاصل نمی شود و تعلیم و تربیت، فرایندی تدریجی است که در بستر زمان و طی مراحل خاص و با پشت سر گذاردن پیش نیازها و مقدمات خود، تحقق می یابد.

اصل تدریج، که بر مبانی فوق مبتنی است، لزوم رعایت تدریج را در طی فرایند تعلیم و تربیت گوشزد می کند. خداوند متعال نیز در تعیین تکلیف بندگان، بر اساس این اصل، دستورات خود را به تدریج فرو فرستاده و به تدریج دین را تکمیل کرده است.

عن الباقر (ع): لیسَ أَحَدٌ أَرْفَقَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَمَنْ رَفَقَهُ أَنَّهُ نَقَلَهُمْ مِنْ خَصَلَهُ إِلَى خَصَلَهُ وَ لَوْ حَمَلَ عَلَيْهِمْ جُمْلَهُ لَهَلَكُوا: (۳۸) هیچ کس از خداوند بیشتر اهل مدارا نیست. از موارد مدارای او این است که بندگان را از حالتی به حالتی دیگر منتقل می کند و اگر همه ی امور را یک باره بر ایشان تکلیف می کرد هلاک می شدند.

عن الصادق (ع): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ، فَمَنْ رَفَقَهُ بِعِبَادَةِ تَسْلِيلِهِ  
أَضْغَانَهُمْ وَ مُضَادَّتِهِمْ ( مُضَادَّتُهُ ) لَهُوَاهُمْ وَ قُلُوبَهُمْ، وَ مَنْ رَفَقَهُ بِهِمْ أَنَّهُ يَدْعُهُمْ عَلَى  
الْأَمْرِ يَرِيدُ إِزَالَتَهُمْ عَنْهُ رَفْقًا بِهِمْ لَكَيْلًا يَلْقَى عَلَيْهِمْ عُرَى الْإِيمَانِ وَ مَثَاقِلَتَهُ جَمَلَةً  
وَاحِدَةً فَيُضْعِفُونَهَا فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ نَسَخَ الْأَمْرَ بِالْآخِرِ فَصَارَ مَنْسُوخًا: خداوند تبارک و  
تعالی، اهل مداراست و مدارا را دوست دارد. از جمله موارد مدارای خداوند  
نسبت به بندگان آن است که به تدریج کینه ها و دشمنی هایشان را می زداید و  
با خواسته ها و دل هایشان به تدریج مقابله می کند و از موارد مدارای خداوند با  
آنان این است که [ ابتدا ] برای مدارا، آنان را با چیزی که می خواهد ایشان را از  
آن جدا کند و می گذارد تا بار ایمان و سنگینی آن را یک باره بر ایشان فرو  
نیفکند که از آن احساس ناتوانی کنند. پس هرگاه اراده ی آن کرد (که آن را  
بزداید)، آن را با فرمان دیگری نسخ می کند تا فرمان نخست منسوخ شود.

## ۶- اصل استمرار

براساس مبانی انسان شناختی انسان همواره در معرض تأثیر اسباب و علل مختلف است؛ اسباب و عللی که حتی پیش از تولد وی و از زمان انعقاد نطفه ی او شرایطی را برای او فراهم می آورند، در دوران جنینی نیز بر او تأثیر می گذارند و این شرایط را پس از تولد و در طول زندگی پرفراز و نشیب او دائماً تغییر می دهند و البته اراده ی خود انسان، که با رشد او به تدریج قوت می گیرد، خود یکی از عوامل تعیین کننده در مجموع شرایطی است که در رشد و بالندگی او و در جهت حرکت او تأثیر دارند. اسباب و علل مزبور، با تأثیراتی که در وجود انسان می گذارند، زمینه را برای شرایط بعدی و ظرفیت و استعداد پذیرش تعلیم ها و تربیت های آتی نیز فراهم می کنند و این امر تا پایان زندگی انسان بر روی کره ی خاکی همچنان به طور مستمر ادامه دارد.

از سوی دیگر، پایان ناپذیری درجات کمال برای انسان، امکان پیشرفت دائمی در اهداف تعلیم و تربیت را فراهم می سازد و نشان می دهد که هرچند تعلیم و تربیت با هدفی نهایی مشخص می شود. خود هدف نهایی مراتبی بی پایان دارد، به طوری که هر انسانی با ظرفیت، توان و عمر محدود خود، تنها می تواند به درجاتی از آن نائل گردد و در نتیجه، هیچ زمانی را برای پایان یافتن مراحل و مراتب تعلیم و تربیت، نمی توان تعیین کرد.

## ۷- اصل اولویت

وجود تزاخم در جهان ماده، یعنی همان جهانی که اکنون در آن زندگی می‌کنیم، از مبانی هستی‌شناختی است که نشان می‌دهد فعالیت‌های مختلف ما، از جمله در حوزه‌ی تعلیم و تربیت، همواره با انواعی از فعالیت‌های دیگر اصطکاک می‌یابد و انسان همواره ناگزیر از انتخاب میان اموری است که با هم قابل جمع نیستند. این تزاخم، بنابر مبانی انسان‌شناختی میان انواع نیازها و خواسته‌های انسان و حتی میان توجه به این نیازها و خواسته‌ها نیز وجود دارد. به این ترتیب، انسان باید میان انواعی از دانش‌ها، مهارت‌ها و استعدادهای قابل شکوفایی، گزینش کند. همچنین با تزاخمی که میان عوامل و موانع مختلف و نیز میان روش‌های مختلف تعلیم و تربیت به وجود می‌آید و محدودیت‌ها و ضعف‌هایی که انسان در به‌کارگیری عوامل و روش‌ها با آنها مواجه می‌شود، در عمل ناگزیر است از میان آنها گزینش کند. طبعاً این گزینش‌ها در صورتی معقول خواهند بود که با توجه به اهداف و براساس معیارهای تعیین اولویت، صورت گیرند.

## ۸- اصل تدبیر و مدیریت

تعلیم و تربیت اسلامی فرایندی پیچیده و هدفمند است که دست یابی به اهداف آن، جز با هدایت و رهبری این فرایند از طریق سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات و ارزیابی و نظارت بر آن ممکن نیست. از آنجا که امور مزبور، مهمترین وظایف عمومی مدیران دانسته شده است، می توان اصل تدبیر و مدیریت را نیز یکی از اصول کلی در تعلیم و تربیت اسلامی دانست و به این صورت نتیجه گرفت: فرایند تعلیم و تربیت باید در سطوح مختلف عالی، میانی و عملیاتی، مدیریت شود.

درباره ی اصول مربوط به مدیریت به طور کلی و مدیریت آموزشی به طور خاص، مباحثی مستقل صورت گرفته، که اینک مجال بررسی آنها نیست. اما می توان بر اساس آنچه به مثابه ی وظایف کلی مدیران ذکر کردیم و تا حدود زیادی مورد قبول صاحب نظران دانش مدیریت است و با توجه به ویژگی های تعلیم و تربیت، از این اصل عام، اصول فرعی را به دست آورد. باید خاطر نشان کنیم که هر یک از امور زیر، که بخش هایی از مدیریت تعلیم و تربیت هستند، باید در سطوح مختلف مدیریت اجرا شوند. هر فرد یا سازمانی که بخشی از این مدیریت را بر عهده می گیرد، ممکن است همه ی وظایف یا بخشی از این وظایف را در سطحی از مدیریت فرایند تعلیم و تربیت بر عهده داشته باشد.



با تشکر از صبر و حوصله شما